

اگر بازیگری تحت تاثیر بازی بازیگر رو به رویش قرار بگیرد نقطه ضعف محسوب می شود؟
بله، نشان می دهد بازیگر از خودش بیرون آمده و تحت تاثیر بازیگر مقابلش قرار گرفته و نه شخصیت آن بازیگر. اگر بازیگر تحت تاثیر شخصیت بازیگر مقابلش قرار بگیرد این امر درستی است.

برخی از بازیگران مثل میکائیل شهرستانی به علت جنس بازی شان به خصوص در صحنه های دو نفره تماشاگر را بیشتر تحت تاثیر قرار می دهند؟

بازی میکائیل شهرستانی به خصوص در تئاتر چنین ویژگی ای دارد. این مسئله به شخصیت و انرژی ای که بازیگر به نقشش تزریق می کند بستگی دارد.

شما جزو طیف بازیگرانی هستید که تلاشی نمی کنید حین بازی بخواهید توجه تماشاگر را به خودتان جلب کنید؟
کاری به مخاطب ندارم و تمرکز من بیشتر روی کیفیت ارائه نقش است.

شاید به همین دلیل است که سلبریتی نشدید؟
قبول دارم.

بیشتر مخاطبان عادی شما را به سه گانه ستایش و به خصوص قسمت آخرش می شناسند. حضور در ستایش برایتان چه ویژگی هایی داشت؟

کاراکتری که در ستایش بازی کردم برخلاف تصور مردم نقش خاکستری بود و نه منفی.

اما مخاطب حین دیدن کنش های او بر علیه اش موضع می گرفتند؟

بله، در فیلم آخر بازی نقش منفی بازی کردم و بعد از نمایش فیلم در سینما مخاطبی بیرون آمد و قصد درگیری و دعوا را با من داشت. چون نقشم را باور کرده بود. نقشم در ستایش خاکستری بود. توسط اصغر هاشمی به پروژه ستایش دعوت شدم و ایشان بعد از مدتی از کار انصراف دادند و سعید سلطانی جایگزین شدند و من با گروه تهیه و تولید دچار مشکل شدم.

چه مشکلاتی و به چه دلیل به وجود آمد؟

بیشتر مربوط به قرار داد مالی بود و عدم تعهدی که تهیه کننده انجام داد. در نهایت بعد از چند ماه چون نیاز به حضور من داشتند و به درخواست سعید سلطانی به پروژه برگشتم.

این حرفهایی که مطرح کردید در زمان تولید سریال به دلیل روحیه آرام و دوری از جار و جنجال شما جایی رسانه ای نشد؟
وظیفه بازیگر بازی کردن است و مثل هایی مانند اینکه حق گرفتن است و باید پرداخت شود و کار من مجادله بر سر گرفتن حق و حقوق نیست.

اوج کار شما به تلویزیون بر می گردد. به نقش خاکستری و چند لایه ای که چند سال قبل با همکاری با احمد معظمی در سریالهای «خانه امن» و «سر جوخه» داشتید. آیا قبل از تولید سریال این میزان موفقیت نقش های تان و کلیت کار را پیش بینی می کردید؟

معظمی جزو کارگردان های منعطف تلویزیون است و در کارش خلاقیت دارد و همراه بازیگر است در سخت ترین شرایط پر حوصله و با روحیه عمل می کند و هیچگاه انگیزه اش در طول کار کم نمی شود و حرف همدیگر را خوب می فهمد و موقعی که من پیشنهادی ارائه می کنم درک می کند که در راستای بهتر شدن نقش است. برای بازیگران کار کردن با این نوع کارگردان ها راحت و لذت بخش است و همیشه حرف ها و موقعیت بازیگر را درک می کند و به راحتی می تواند ویژگی های نهان بازیگر را آشکار و آن استفاده کند و این امر ریشه در هوش بالای او دارد و با همه عوامل طبق شرایط و ظرفیتش برخورد می کند. ابو عامر سریال «خانه امن» هم در طبقه بندی شخصیت های خاکستری ارزیابی می شود. نقشی که ایفایش برایم جذاب و هیجان انگیز بود. موقعی که قرار است نقش منفی و یا خاکستری بازی کنیم نباید مختصات نقش به احم ابرو در هم کشیدن و با غیظ و درشت حرف زدن تعریف شود. وظیفه بازیگر پر دازش نقش است. یاد می آید او ایل در قبول نقش های خاکستری احتیاط می کردم و چند بار پیشنهاد همایون اسعدیان برای بازی در فیلمش «آخر بازی» را رد کردم و می دیدم ایفای نقش منفی چه تبعاتی دارد و مثلاً رامین پرچی به خاطرش کتک خورد. موقعی که قرار شد در خانه «امن بازی» کنم و قرارداد بستم به معظمی گفتم جووری نقشم را بازی می کنم که همه بیایند عضو داعش بشوند!
در صحنه دو نفره بازجویی شما توسط مامور وزارت اطلاعات

بازی استرلیزه و به شدت فکر شده تان باعث شد توجه مخاطب فقط به بازی و کنش های شما معطوف بشود.

بله، مخاطب می فهمد که ابو عامر دست بالا است و باید این حس استمرار پیدا می کرد. به لحاظ دسته بندی دو نوع بازیگر داریم. یکی مولف.....

خودتان جزو بازیگران مولف هستید؟

تصور می کنم در این گروه از بازیگران قرار می گیرم. بازیگر مولف سوای فیلمنامه و راهنمایی کارگردان موظف است چیزی به نقش بیافزاید و رنگ آمیزی اش کند.

در سریال «سر جوخه» که به کارگردانی احمد معظمی در سال ۱۴۰۰ برای شبکه سوم سیما ساخته شد، نقش رامین کشمیری را بازی کرده و در ست بازی کردید. نقشی که به ظاهر ساده است اما ممکن بود اگر بازیگر دیگری ایفایش می کرد به شدت معمولی و دم دستی می شد. این نقش تان را چگونه تجربه و تحلیل کردید؟

رامین کشمیری سریال «سر جوخه» نیز شخصیت خاکستری و چالش های خاص خودش را دارد و به خاطر موقعیتی که با آن درگیر است به شدت عصبی و غیر قابل پیش بینی است این ویژگی ها به من قدرت مانور روی نقش می داد و شرایط پیش رویش باعث شد که رفتارهایش ترکیبی از حرکات درونی و برون گرایانه باشد. در کلیت همه ما آدم ها موجودات خاکستری محسوب می شویم و سفید و با مطلق نیستیم. به همین دلیل نقش های خاکستری به زندگی نزدیکتر هستند. در سفید ترین لحظات زندگی افکار ثابتی در ذهن داریم که ممکن است اعتقادی به آن نداشته باشیم و بر عکس قضیه هم صدق می کند. تماشاگر هم از این نوع شخصیتها در فیلمها و سریالها استقبال بیشتری می کند و به نظر من فقط در قصه ها آدم های سفید و سیاه مطلق داریم. و البته این را هم بگویم که ویژگی دیگر سریال های معظمی خوش ریتم بودنشان است.

از دیگر نقش های موفق تان بگوئید؟

در سریال کمتر دیده شده «پدر خاک» که در سال ۱۳۷۹ به کارگردانی نادر کجوری ساخته شد نقش یک زندانی را بازی کردم که دچار لکنت زبان بود و به خاطر قتل همسرش به زندان افتاده بود. اما همیشه منتظر است روز ملاقات زنش به دیدنش بیاید و برای ایفای این نقش خیلی جذاب بود.

در سینما هم تجربه همکاری با بزرگانسی مثل دارپوش مهرجویی، رسول ملاقلی پور و مانی حقیقی داشته اید. این همکاری ها برایتان چه دستاوردهایی داشته است؟

با مهرجویی در دو فیلم «تهران تهران» و «آسمان محبوب» همکاری داشتم که در «تهران تهران» نقش اصلی را بازی کردم و تجربه بسیار موفقی برایم بود. برای بازی در «آسمان محبوب» خود دارپوش مهرجویی شخصا به من زنگ زد و برای بازی دعوت کرد. حضور در فیلم سینمایی «مزرعه پدری» به کارگردانی زنده یاد رسول ملاقلی پور هم همواره برایم به عنوان یک تجربه خاص و جذاب مطرح است و در آن نقشی منحصر به فردی داشتم و تنها شخصیتی که حضوری فیزیکی و زنده در فیلم دارد نقش من بود و سایر شخصیتها کشته شده اند و ذهنی در وقایع فیلم حضور دارند. شخصیتی که ایفایش کردم بین مرگ و شهادت و زندگی، زندگی را انتخاب می کند. متأسفانه برای «مزرعه پدری» در بخش فنی اتفاق نه چندان خوشایندی رخ داد و آن زمان تازه سیستم دالبی در ایران مطرح شده بود و فیلمها در خارج از کشور صدایشان دالبی می شد و خیلی از سکانس ها برای پر رنگ شدن صحنه های انفجار و درگیری که روی صدایش کار شده بود حذف شد.

با توجه به حضور مستمر تان در سینما، تئاتر و تلویزیون اما همچنان دلبسته حضور در رادیو هستید؟

همه اینها با هم در یک مسیر قرار دارند و کلاً تئاتر حوزه بسیار بزرگی است. در این عرصه ها متن بیس اصلی است و اینکه بازیگر با نقشش درگیر می شود و آن را تجزیه و تحلیل می کند. بازیگر باید در هر عرصه ای شخصیت را کشف کند و روی آن تمرکز نماید. بازی در رادیو هم تکنیک خاص خودش را دارد. بازیگری رادیویی به دلیل شرایط فشرده کاری که وجود دارد، یک تمرین مناسب برای بازیگر است.

قبل از ساخت فیلم «فصل سفید ماهی» که برشی از داستان باغ آلبالوی چخوف است در نمایش باغ آلبالو به کارگردان اگر زنجانیور بازی کرده بودید، آیا کمکی به شما کرد؟

در رادیو با اکبر زنجانیور سالها است که همکاری دارم. ایشان از بزرگان تئاتر هستند و دیدگاه خاص خودشان را دارند و

در رادیو به من گفتند که قرار است مدتی بعد نمایشی را روی صحنه اجرا کنند و پیشنهاد همکاری دادند و من هم با کمال میل پذیرفتم و ایشان اگر هر نمایش دیگری هم روی صحنه می بردند، بدون خواندن متن قبول می کردم.

چه ویژگی هایی از متن نمایشنامه باغ آلبالو برایتان جذابیت بیشتری دارد؟

چخوف و سایر هم نسلانش در دوره های بروز و ظهور پیدا کردند که دوران رشد و روشنفکری در اروپا بود و دنیا از قالب سنتی و کشاورزی بودن به سمت مدرنیته و ماشینیسم پیش می رفت و فتودالیسم به آهستگی برچیده می شد که در نتیجه آن سرمایه داری حاکم شد. در هر صورت در دوره جدید هم کارگران مثل کشاورزان دوره قبل در محرومیت بودند و با حداقل درآمد زندگی می کردند. چخوف و خیلی از هم دوره های هایش یک جورهایی نگاه ضد زن در آثارشان داشتند و در «باغ آلبالو» چخوف نقد آشکاری به عملکرد مادام رانوسکا در جهت از دست دادن باغ خانوادگی اش دارد. زنی که با خوش گذرانی و رفتن به سفرهای متعدد اروپایی قرض بالا می آورد و در نهایت برای پرداخت دیون مجبور به فروش باغ می شود. البته در اجرا تاکید گذاری زیادی روی این مسئله نمی شود. زنها نسبت به مردان قدرت تطابق پذیری بیشتری با شرایط روزگار دارند. مادام رانوسکا هم خیلی سریع شیفته جهان صنعتی می شود و مدام از شهر کوچک محل زندگی اش دور می شود و به شهرهای شلوغ می رود. وجه مهم دیگر نگاه چخوف به این زن، نقد اشرافیت بیهوده این زن و بذل و بخش های بی حساب و کتابش است. در «باغ آلبالو» نقش گایف را بازی کردم. گایف به نظر من نماینده نسل های بعدی است که انگاره های نیپیلیستی هم دارد. او آدمی است که منشأ همه چیز را از طبیعت می داند و ذهن منطقی گرایی دارد.

از ریشه اصلی علاقه تان برای دستمایه کردن نمایش نامه باغ آلبالو برای ساخت اولین فیلم سینمایی «فصل سفید ماهی» بگوئید؟

طرح داشتم درباره تعبیر کاربری های شمال و از بین رفتن باغ ها و شالیزارهای برنج. موقعی که نوشتن طرح تمام شد دیدم که چقدر با فضای باغ آلبالو نزدیک است و دیدم می شود طرح را در این ساختار قرار بدهم. بتدریج این جانمایی را انجام دادم و دو سالی زمان برد تا نوشتن فیلمنامه به همراه همکارم تمام شد. متأسفانه اولین چالش من بابت این بود که اولین تجربه کارگردانیم را انجام می دادم و بات این قضیه آسیب دیدم.

در بحث بازیگر از بازیگران صاحب نامی مثل محمدرضا فروتن و لادن مستوفی استفاده کردید. آیا این بازیگران به واسطه آشنایی با شما و یا بحث دستمزد قابل توجه این همکاری را قبول کردند؟

همه این عوامل دخیل بود و در پشت دور بین هم زرین دست و ملک جهان خزایی با فیلم همکاری کردند. اگر فیلم پخش کننده خوبی داشت اکرانش می توانست موفقیت آمیز تر باشد. تا این اولین فیلم ۱۴۰ دقیقه بود. اما مجبور شدم برای گرفتن اکران زمانش را به ۹۷ دقیقه تقلیل بدهم.

برنامه ای ندارید که نسخه کامل فیلم را در شبکه نمایش خانگی اکران کنید؟

دیگر کسی حوصله ندارد دوباره برای فیلم هزینه کند و آماده کردن مجددش با زمان قبل سخت شده است.

در زمینه هدایت بازیگران با توجه به بازیگر بودن تان چه شیوه ای را به کار بردید؟

برایم کار راحتی بود و من سالها است که معلمم بازیگری را تدریس می کنم و بابت هدایت بازیگران مشکلی ندارم.

نکته حائز اهمیت فیلم این بود که دور از جریانات متداول سینمای ایران در حوزه سینمای اجتماعی ساخته شد؟

اتفاقاتی در دوران ساخت فیلم در بحث تشدید تحریم ها و تورم اقتصادی به وجود آمد و بخشی از سرمایه تهیه کننده به این واسطه در بانک های خارجی بلوکه شد و اگر زودتر فیلم اکران می شد شاید اتفاقات بهتری برای فیلم رخ می داد. متأسفانه در زمان اکران باند سازندگان فیلم های کمدی اعمال نظر کردند و حتی با برنامه ریزی نگذاشتند ما اکران مردمی در شهرستانها داشته باشیم.

بازیگران فیلم هم در حین اکران حمایتی از فیلم انجام ندادند؟

تهدید شده بودند و تنها کسی که تا حدی از فیلم حمایت کرد محمدرضا فروتن بود.